

نسیم زندگی



«جهان اولی» عمل کنیم، نه «جهان سومی»!

قانون گریزها از بی‌شعورها خطرناک‌ترند

حسین سروقامت*

در جهان امروز سبک زندگی (Lifestyle) بسیار مهم شمرده می‌شود؛ مجموعه‌ای از منش‌های ذاتی‌ما و همچنین روش‌هایی‌که برای ادامه حیات‌گرز بیده‌ایم. بحث سبک زندگی در بسیاری از سخنان رهبر فرزانه

■ بسط یک پرسش چندوجهی

در متن سؤالی که مطرح شد، سه نکته مهم لحاظ شده است. نکته اول پذیرش اینکه خواه ناخواه قانون گریزی در جامعه وجود دارد. بنابراین رهبر معظم انقلاب از هستی و نیستی این معضل پرسش نکرده‌اند، بلکه درباره چستی آن پرسیده‌اند. نکته دوم تعبیر از قانون‌گریزی به بیماری است. بیماری که می‌تواند با نسخه طبیبی کاربرد جامعه‌ترقی گردیده، با خدای ناکرده به سایر بخش‌های اجتماع تسری یابد و نکت سوم اینکه فقط آدم‌ها نیستند که قانون گریزند، بلکه سازمان‌ها و سایر اجزای یک سیستم نیز می‌توانند به این گرفتاری مبتلا شوند.

■ بی‌معور ها و قانون‌گریزها

خاویر کرمنت در کتاب بیشعوری به نکته مهمی اشاره می‌کند که در اینجا مصداق دارد. وی می‌گوید: بیشعورها رانمی‌توان درمان کرد، مگر آنکه به بیشعوری خود اذعان کرده و درصددرفع آن برآیند؛ یعنی بیشعورها تاوقتی خود به ناهنجاری خویش پی نبرند، آسیب‌زایی نخواهند شد. قانون‌گریزها نیز اینگونه‌اند. با این تفاوت که قانون‌گریزها به مراتب از بیشعورها خطرناک‌ترند، زیرا بیشعورها ادعایی ندارند و صرفاً به خاطر بیشعوری مرتکب کارهای احمقانه می‌شوند، اما قانون‌گریزها ادعای زرنگی کرده‌وا. از این راه می‌خورند و چون برای استمرار قانون‌گریزی خویش به همدستانانی نیاز دارند، گاه اقدام به تشکیل باند و گروه می‌کنند. قانون‌گریزها هوای دیگری ندارند، به همین صاف‌کن هم به شمار می‌آیند. آنان نه تنها قانون‌گریزی را بیماری نمی‌دانند، بلکه‌از آن تعبیر به مُسکن یا حتی درمان می‌کنند. چه محملی از این بالاتر که آنان معضلات زندگی خویش را با قانون‌گریزی حل نموده، آن را بلکان نردبان ترقی خویش تلقی می‌کنند!در قانون‌گریزی قوانین دور زده می‌شوند و ایرانی‌ها چه تجری در این زمینه دار‌ند!آنان برای اینکه مشمول جریمه نشوند، به مأمور راهنمایی و رانندگی رشوه می‌دهند. برای درمان بیماری خویش به

سبک‌نگرش

«آیا نظر هر کسی محترم است؟» حتی آنهایی‌که باورهایشان را دلبخواهی پذیرفته‌اند و برایش به‌دنبال هیچ استدلال موجهی نگشته‌اند؟! هر یکی می‌گویند، اینکه «هر کسی حق دارد نظر داشته باشد» و آن را اظهار کنند» معنایش این است که هر نظری محترم است، اما گروهی دیگر معتقدند، باورهای ما بی‌چون‌وچرا محترم نیستند و احترام شرط و ضرورتی دارد. چگونه می‌شود به نتیجه قانع‌کننده‌ای رسید؟

■ ■ ■

■ آیا به دیگران ربطی ندارد که ما چه باوری داریم؟

به دیگران ربطی ندارد که ما چه غذایی دوست داریم. اگر کسی از پیتزایدش می‌آید، مشکلی نیست؛ می‌تواند از ساندویچ خودش لذت ببرد و ما را با غذای دلخواهم تنها بگذارد. به همین ترتیب، گویا باورهایمان هم مثل غذاهای جزو حریم شخصی ما محسوب می‌شوند و دیگران نباید جرئت دخالت در آنها را به خود بدهند، اما این ایده مخالف بسیار سرسختی دارد: به سقراط می‌گفت: «تا جان در بدن دارم از آگاساختن شما به آنچه باید بدانید، دست نمی‌کشیم.»

■ نظر هر کسی محترم است؟ اصلاً و ابداً

همه نظراتی دارند، اما واقعاً هر چه بمنایباید قبول کنیم که ارزش همه آنها برابر است؟ نزدیک به سه‌سال پیش، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، یکی از گفت‌وگوهایی

زیرمیزی متوسل می‌شوند. برای آنکه از تیررس دوربین مصون بمانند، روی پلاک خودروی خویش را می‌پوشانند و برای آنکه رنج‌نگارش پایان‌نامه را تحمل نکنند، پول می‌دهند تا دیگران بسرای آنان پایان‌نامه بنویسند. آنان به این کارها مبادرت می‌ورزند و طعم شیرین این رفتار ناپسند را با کم خویش و دیگران چشاندند و جامعه را از درون فاسد می‌کنند. چندی پیش سروکار یکی از خویشان من به دو دکتر دندانپزشکی افتاد. وی می‌گفت: اصرار منشی دکتر بر پرداخت ویزیت به صورت کارت‌هدیه تعجب مرا برانگیخت. چرا پزشکی با فعالیت عرفی و قانونی‌حق‌ویزیت خود را از طریق کارت‌بانکی و دستگاه پوز دریافت نمی‌کند؟

استگاه‌های مالیاتی! این یعنی در جامعه بذرهایی پاشیده‌ایم که اکنون ثمرات آن در زمین افشار محصول کرده جامعه نیز رویده است. پرسش مهم آنکه چه عواملی باعث شده قانون‌گریزی، چنین آشکار و بی‌محابا در جامعه ما ظهور و بروز کند؟

■ قانون‌گریزی و عوامل پیدای بنیان

ضعف قانون یکی از عوامل اصلی قانون‌گریزی است. بخشی از قوانین کشور ما به گونه‌ای هستند که امکان فرار از آنها به سادگی میسر است. قانون‌گریزها لازم نیست فرآیند دشواری را طی کنند. ضعف قانون چنین فرصت‌مغتنمی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. چرا در ایران افراد در رشته‌های مختلف چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟ چون قانون‌بازان‌ند! درآمدها- که اغلب با کارآمدی و تلاش آنها نیز همخوانی چندانی ندارد- نه جایی مورد رصد قرار می‌گیرند و نه در گلوگاههایی مسیر آنها بسته می‌شود. در کشورهای پیشرفته باقوانین مالیاتی و بررسی دقیق درآمدها موانع سختی مقابل این قبیل افراد ایجاد کرده‌اند. به طوری که آنان به خوبی درمی‌یابند که ورود به این عرصه‌ها حتی از جهت مادی نیز مقرون به صرفه نیست. مثلاً اگر مالیاتی برای شغل اول لحاظ شده، دو یا سه برابر آن برای شغل دوم در نظر گرفته می‌شود، بنابراین اگر شغل اول کفاف زندگی شخصی را

و از جمله بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در مهر ۱۳۹۱ در جمع پرشور جوانان خراسان شمالی سؤالات مهمی را در این خصوص مطرح نموده و آسیب‌شناسی آنها را خواستار شدند. در پاسخ به این مطالبه اساسی هر هفته یکی از این سؤالات را مطرح

نموده‌وا. از نوعی زندگی متوسط برخوردار می‌سازد و ورود به شغل دوم دیوانگی محسوب می‌شود. از این جهت ایران بهشت بی‌بدیل افرادی چون پزشکیان، خلبانان، جراحان، کارخانه‌داران، تجار، بازرگانان و… به شمار می‌آید. کسانی که هر قدر می‌خواهند پول در می‌آورند و کسی هم کاری به کارشان ندارد. از دیگر عوامل قانون‌گریزی مجازات‌هایی است که اغلب تناسبی با جرم ندارد؛ به عنوان مثال مجازات سرقت علمی در کشور ما چیست و قانون برای کسی که تحقیقات علمی دیگران را دزدیده، به نام خود به دانشگاه‌ها یا مجامع علمی ارائه می‌کند، چه مجازاتی در نظر گرفته‌است؟ انقلاب علمی دیگران را دزدیده، به نام خود به دانشگاه‌ها یا مجامع علمی ارائه می‌کند، چه مجازاتی در نظر گرفته‌است؟ انقلاب علمی دیگران را دزدیده، به نام خود به دانشگاه‌ها یا مجامع علمی ارائه می‌کند، چه مجازاتی در نظر گرفته‌است؟ انقلاب علمی دیگران را دزدیده، به نام خود به دانشگاه‌ها یا مجامع علمی ارائه می‌کند، چه مجازاتی در نظر گرفته‌است؟

روز حداقل ۱۰ یا ۱۱ نامه را فقط به معازنه من می‌آورند که نام روی جلد آن را برداشته و به نام شخص دیگری ثبت و از نو صفحی نمایم. آزدی در روز روشن! او در ادامه می‌نویسد ده‌ها مصافح هم‌چون من به همین کار مشغولند؛ شما را به خدا برای این ماجرا فکری نکنید. همین نامه دلسوزانه باعث می‌شود رهبر معظم انقلاب برخی مسئولان مربوطه را خواست به برپیکری و حل و فصل این معضل مهم تأکید نمایند. چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟ چون قانون‌بازان‌ند! که دست چنین سارقانی را از سرسخت خویش کوتاه کرده، نفس او را ببرد، وجود ندارد. اگر هم احیاناً وجود داشته باشد، ترس و وحشتی برای قانون‌گریزان به ارمان نمی‌آورد!آنگون این جریان را مقایسه کنید با اتفاقی که در آلمان برای وزیر دفاع این کشور افتاد که به خاطر استفاده از مطلبی که فرانس- منبع علمی- دقیق آن را نداده بود، هم کرسی دانشگاهی‌اش را از دست داد و هم مجبور به استعفا از پست وزارت شد. البته قابل پذیرش نیست که در کشور ما هر چ و مزج قانونی وجود دارد. در همین کشور قوانین بیمه و امثال

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۸۴۷۱

د

خاویر کرمنت در کتاب بیشعوری به نکته مهمی اشاره می‌کند که در اینجا مصداق دارد. وی می‌گوید: بیشعورها را نمی‌توان درمان کرد، مگر آنکه به بیشعوری خود اذعان کرده و درصددرفع آن برآیند؛ یعنی بیشعورها تا وقتی خود به ناهنجاری خویش پی نبرند، آسیب‌زایی نخواهند شد. قانون‌گریزها نیز اینگونه‌اند. با این تفاوت که قانون‌گریزها به مراتب از بیشعورها خطرناک‌ترند، و صرفاً به خاطر بیشعوری مرتکب کارهای احمقانه می‌شوند، اما قانون‌گریزها ادعای زرنگی کرده‌وا. از این راه نان می‌خورند

نموده و به بررسی پاسخ خواهیم پرداخت. تا کنون به بررسی ۱۰ سؤال پرداخته‌ایم و در این نوشته یازدهمین پرسش را مطرح می‌کنیم. سؤال این است: «چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی – که یک بیماری خطرناکی است – در برخی از مردم چیست؟»

آنچنان با دقت وضع گردیده، با وسواس اعمال می‌شوند که تعجب همگان را برمی‌انگیزند. چرا؟ چون پای منافع مادی شرکت‌های بیمه‌گر در کار است. قوانینی که به مرور زمان چنان اصلاح گردیده‌اند که بیشترین سود آورده مادی را برای شرکت‌های بیمه‌گر تأمین نمایند. بیچاره فرهنگ که چنین مدافعان سینه‌چاکي ندارد!

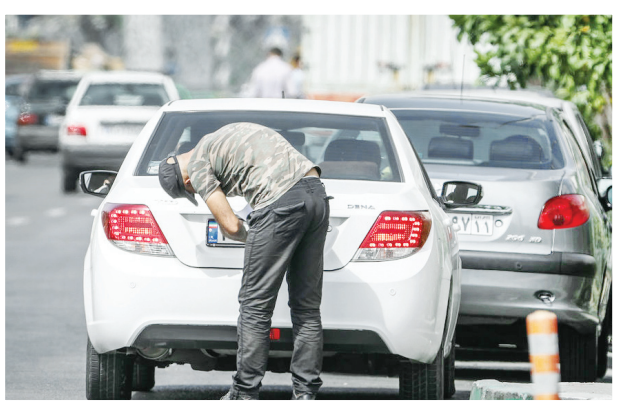
■ برای مسئله با قانون‌گریزی چه کنیم؟

نخست لازم است ضعف قوانین را برطرف کنیم. چندی پیش در یکی از ایالت‌های آمریکا حداکثر سرعت را به ۸۰ کیلومتر در ساعت مقرر کردند. پس از چندی در یافتند اغلب مردم از این سرعت تجاوز می‌کنند. بلافاصله با معنایت به این نکته که باید سرعت قانونی است که اغلب مردم از آن تخلف می‌کنند، قانون جدیدی وضع نموده، حداکثر سرعت را به ۱۰۰ کیلومتر افزایش دادند. این روش در تمامی دنیا اعمال می‌شود، چرا ما از آن استفاده نکنیم؟ ناپایا دست و اسطه‌های حرفه‌ای را ببندیم، اگر اقرار است واسطه‌ها کاری را با کسب درآمد نامشروع و غیرقانونی انجام دهند، ما خود در قانون آن را پیش‌بینی کنیم. در برخی از همین کشورهای همسایه، سیستم خدمات سریع (موسوم به ارجنت) برای کسانی که نظر گرفته شده که به جهت موقعیت اجتماعی خود نیازمند دریافت خدمات سریع‌تر در مقابل پرداخت هزینه بیشتر هستند. خوب چرا واسطه‌ها این کار را انجام دهند. در متن قانون این را ببینیم: خود آن را به مورد اجرا بگذاریم. البته بر واضح است که این امر شمول عرفی نداشته و قابل توصیه در همه‌موارد نمی‌باشد. ثالثاً مجازات‌های قانونی را دقیق و مؤثر و بی‌کم و کاست اعمال کنیم. میان افراد مختلف در اعمال قانون تفاوت‌نگانیم. بقمه‌سفیدها را از بقیه متمایز نکنیم و در یک کلمه «جهان اولی» عمل کنیم، نه «جهان سومی»! ایما آموزش بدهییم و فرهنگ‌سازی کنیم.. و باور کنیم که هر چه برای آموزش هزینه کنیم، دیر یا زود به خودمان برمی‌گردد.

■ عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف

اسلامی

نگاه



علت بروز بیماری قانون‌گریزی در جامعه چیست؟

مسیرهای دور زدن قانون را مسدود کنیم

محمد رضا سهیلی‌فر

وقتی صبح از منزل بیرون می‌آییم و می‌خواهیم به سرکار، مدرسه یا برای کاری به اداره یا سازمانی مراجعه کنیم و وقتی به خانه برمی‌گردیم، در طول روز ممکن است مشاهده کنیم برخی شهروندان حاضر نیستند از قوانین و مقررات پیروی کنند و همواره در این اندیشه هستند که چگونه می‌توان قانون را دور زد؛ غافل از اینکه قوانین برای زندگی بهتر و منظم‌تر و آرامش‌ما و همچنین اجتناب از تضییع حقوق مردم در جامعه بشری وضع شده‌اند، ولی متأسفانه عده‌ای حاضر نیستند از این قوانین و مقررات تبعیت کنند و تلاش می‌کنند تا به آنجا و روش‌های مختلف، قانون را دور بزنند و در نظر خود زودتر به مقصودشان برسند.

قانون‌گریزی می‌تواند علیه حفظ نظم اجتماعی در جامعه خطری بزرگ محسوب شود. به چه دلیل برخی مردم در جامعه دست به چنین اقدامی می‌زنند؟ مثلاً چرا افسردگی به راحتی و با سرعت زیاد از چراغ قرمز عبور کرده یا قبل از سانس‌ری را دچار آسیب و بحران کند. وقتی افراد عابر پیاده منتظر بماند و پس از رفتن خودروی پرسرعت آنها از محل تعیین شده عبور کند. گاهی در رسانه‌ها اخباری می‌شنویم که باور نمی‌کنیم چنین جرم‌هایی در کشور ما اتفاق افتاده باشد. ممکن است برخی از ما-از کنار قانون‌گریزی‌هایی تفاوت بگذریم لیکن قانون با همه توان قد علم می‌کند تا از رواج این عارضه در جامعه جلوگیری کند. امروزه، قانون‌گریزی تبدیل به دغدغه بسیاری از مسئولان و نهادها شده است، اما به چه کسی قانون‌گریز اطلاق می‌شود؟ قانون‌گریز به فردی گفته می‌شود که در جامعه‌های نامعتبر و غیر رسمی به منظور رسیدن به اهداف، تأمین خواسته‌ها، نیازها و مطالبات خویش اقدام می‌کند. قانون‌گریزان افرادی هستند که بر خلاف جهت روند عادی جامعه حرکت و چه بسا در این مسیر برای سایر مردم هم مشکل ایجاد می‌کنند. جامعه ایرانی از حیث وجود قانون، خلأ ندارد و قوانین موجود در همه‌زهای مختلف مدنی و اجتماعی، وجود دارند. لازم به تذکر است وقتی صحبت از قانون نمی‌شود، منظور تنها قوانین رسمی مملکت نیست، بلکه قوانین شرعی، اخلاقی، انسانی و عرفی را هم دربر می‌گیرد. منتها وقتی برخی شهروندان ببینند در نظام آموزشی و فرهنگی جامعه دچار تعارض شود، بعضاً رسانه‌ها هم در آموزش عمومی چندان تأثیرگذار نیستند. این موارد دست به دست هم می‌دهند و الزاماً به قانون‌گریزی در جامعه دچار اختلال می‌شود. به عنوان نمونه، نحوه رانندگی افراد در جامعه این‌عارضه را نشان می‌دهد. چنین شرایطی به مشرووعیت و کاربرد قانون لطمه وارد می‌شود. اثر سوء دیگر دور زدن قانون با قانون‌گریزی بین مردم، ناکامی و محرومیت است. وقتی مردم می‌دانند قانون وجود دارد، اما به درستی اجرا نمی‌شود، احساس اجحاف و تبعیض می‌کنند. این مسئله به تدریج تبدیل به نوعی بدبینی، ناکامی و محرومیت مفرط می‌شود و باور درونی این افراد را خند و تغییر زیادی نکرده. در نهایت به قانون‌گریزی در جامعه دامن می‌زند. موضوع مهم دیگر اینکه وجود تعارض بسیاری از قواعد و قوانین با یکدیگر که خیلی مواقع همدیگر را نقض می‌کنند، باعث شکاف و بروز تناقض در دیدگاه مردم می‌شود. این اتفاقات در باور افراد نسبت به قانون و پایبندی و عمل به آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین علت عدم رعایت قانون توسط شهروندان، عدم رضایت آنها از وضعیت خود و زندگی‌شان است. افراد خود را با هم مقایسه کرده و وقتی می‌بینند شرایط‌شان با برخی افراد تفاوت دارد، نسبت به التزام به قانون بی‌تفاوت می‌شوند. بدیهی است گریز از قانون تنها به اصلاح نظام نظارت و کنترل انجام شود. نهادها و ارگان‌های مسئول باید به موقع و مؤثر ایفای نقش کنند و آموزش‌های لازم را به شهروندان ارائه دهند. مردم باید شاهد برخورد قاطع و بدون اغماض با قانون‌شکنان باشند. در این زمینه از مدارس، دانشگاه‌ها، صدا و سیما و مطبوعات که به عنوان مهم‌ترین منابع تولید‌کننده فرهنگ به شمار می‌آیند برای عدم اشاعه این عارضه در بین افراد جامعه باید بهره گرفت. همین‌طور می‌توانیم در زندگی روزمره‌و در مواجهه با افرادی که قانون را رعایت نمی‌کنند یا برای دیگران ایجاد مشکل می‌کنند، از امر به معروف و نهی از منکر که در دین مبین اسلام هم سفارش شده، استفاده کنیم. در صورت رعایت قوانین بی‌تردید می‌توان از بروز بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی جلوگیری کرد.

د

وقتی مردم می‌دانند قانون وجود دارد، اما به درستی اجرا نمی‌شود، احساس اجحاف و تبعیض می‌کنند. این مسئله به تدریج تبدیل به نوعی بدبینی، ناکامی و محرومیت مفرط می‌شود و باور درونی این افراد را خند و تغییر زیادی نکرده. در نهایت به قانون‌گریزی در جامعه دامن می‌زند. موضوع مهم دیگر اینکه وجود تعارض بسیاری از قواعد و قوانین با یکدیگر که خیلی مواقع همدیگر را نقض می‌کنند، باعث شکاف و بروز تناقض در دیدگاه مردم می‌شود. این اتفاقات در باور افراد نسبت به قانون و پایبندی و عمل به آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین علت عدم رعایت قانون توسط شهروندان، عدم رضایت آنها از وضعیت خود و زندگی‌شان است. افراد خود را با هم مقایسه کرده و وقتی می‌بینند شرایط‌شان با برخی افراد تفاوت دارد، نسبت به التزام به قانون بی‌تفاوت می‌شوند. بدیهی است گریز از قانون تنها به اصلاح نظام نظارت و کنترل انجام شود. نهادها و ارگان‌های مسئول باید به موقع و مؤثر ایفای نقش کنند و آموزش‌های لازم را به شهروندان ارائه دهند. مردم باید شاهد برخورد قاطع و بدون اغماض با قانون‌شکنان باشند. در این زمینه از مدارس، دانشگاه‌ها، صدا و سیما و مطبوعات که به عنوان مهم‌ترین منابع تولید‌کننده فرهنگ به شمار می‌آیند برای عدم اشاعه این عارضه در بین افراد جامعه باید بهره گرفت. همین‌طور می‌توانیم در زندگی روزمره‌و در مواجهه با افرادی که قانون را رعایت نمی‌کنند یا برای دیگران ایجاد مشکل می‌کنند، از امر به معروف و نهی از منکر که در دین مبین اسلام هم سفارش شده، استفاده کنیم. در صورت رعایت قوانین بی‌تردید می‌توان از بروز بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی جلوگیری کرد.

د

وقتی مردم می‌دانند قانون وجود دارد، اما به درستی اجرا نمی‌شود، احساس اجحاف و تبعیض می‌کنند. این مسئله به تدریج تبدیل به نوعی بدبینی، ناکامی و محرومیت مفرط می‌شود و باور درونی این افراد را خند و تغییر زیادی نکرده. در نهایت به قانون‌گریزی در جامعه دامن می‌زند.